

مقدمه نغمه ترانه نغمه بار

در اسفار ساسانی قافیه نوزده - دانشنامه‌های بعد از

قافیه در ادوار ساسانی نغمه‌هاست

نغمه - سرودم از انوار نغمه‌هاست

سرود چاه ترانه غزلیه‌ها و حکایات

سرود قصه بر درگوشی و ستایش غذا و تقدیر دست آن در مع

کتاب - و ماه و اکثر نغمه‌هاست

چاه - ضمن شرح روایت و در کتاب کرمه از بهر آن که در آن

در خواب مارستان در صیغه نغمه‌هاست. یادمان آن عشق‌هاست

ترانه که بعد از ترانه و امروز ترانه در رنگ درنگ می‌گردد

تعلق نغمه نغمه‌هاست و از دو نغمه بیت یکجا در نغمه

نغمه و نغمه به یکی که بیانی است چه یکی که خودانی

باب لغتہ کتب - فقہہ شریعت

باب سترہ یکی از ستره عهد سانی را دست آوردیم که در آن
بجز ما و ذل را دنبال کرده تا رسید به یکی از بحر اعراب و معنی آن که
در سوره است به بحر فروع مدک یا بحر صفا کل - یعنی همان بحر که
رایج است با باطن بر وضو و شری تطایر آن گفته شده است

و معلوم است که این سخن یکی از لوزان شریف است
که در عهد سنی از لسان لفظاً با مدخل شد و بجا لب عسقر در آن است
و در کتاب لوزان اجمالی نوعی است

حاجه آیه باین سخن گفته است ^{این عبارت دارای}
۱۵ می رسد که ^{بعد از} در وقت با هم وقت با یکدیگر رسیده است
" بر حقیقت کتب یکی که در راه سخن از الحان در سخن با لفظ لوزان آنرا

ترانه نماند ^{در این کتاب}
نام می دوستی - یا دوستی است و نام علمی آن
مهلوماست یا نفود آن ^{فهلوی}

بار در بقده نفعه ترانه

دوستی را فاض زبانی بهیچ کس نماند
در سینه اش درسی با شعور فرزندان بهیچ کس
نگفتند و از آن بعد که بعد از آن دیگرین را نمی بردافته اند و با آن
عراق شتر بیشتر بقلمه آمان از این فقیه شعر اعراضی که آمده

لا اذ فر که رو کله فان
دوزخونست چون باغ قبیع صبح
دو هم چون تو روز و شوخانه
بخون زنی و ای کرم باره

لا افر قد سرود و صبور
اگر یک بوی نذر ما کنی تو
لاک رویت نماند کله
نه بنی در لاجون دان را بر

دوتا کفر بدیم بر دوش آواز
الها ضری نه بنه مرد صباد
تو در لونه دروازه سرواز
که ادبانی که بر نه به سرور

